

واکاوی مطالبات و انتظارات اقتصادی رهبر معظم انقلاب

موانع، چالش‌ها و راهکارها

مقدمه

گفتمان سازی در حوزه اقتصاد یکی از اساسی ترین روش های غلبه بر چالش های مختلف پیش روی نظام اقتصادی است. بررسی روندها نشان می دهد دال مرکزی مطالبات اقتصادی رهبر معظم انقلاب بیشتر در فرایند ۲۱ سال در انتخاب شعار سال ها تجلی یافته است. تدقیق در سیر گفتمان سازی مقام معظم رهبری بیانگر این است که مجموعه دیدگاههای معظم له، نظام منسجمی در حوزه ی مفاهیم، ایده ها و نظریات در همه حوزه ها بوده که ساخت درونی قدرت همراه با عدالت یکی از عناصر اثباتی این گفتمان است. در این بین آنچه حایز اهمیت است اینکه در طول این سال ها امام خامنه ای به طرق مختلف خواسته ها و مطالبات اقتصادی خودشان را از مسئولین و مردم به کرار بیان کرده اند ولی بسیاری از مطالبات معظم له مغفول مانده است. حال اگر بخشی از مطالبات معظم له با توجه به ظرفیت های بسیار بالای کشور عملیاتی می شد ما شاهد تورم بالا، بیکاری، افزایش نابرابری درآمدها، توزیع نامتوازن، فاصله ی طبقاتی، تبعیض ها، نابرابری های اجتماعی، مشکلات معیشتی نبودیم. حال سوال اساسی که قابل طرح است اینکه چه عوامل و موانعی سبب شده است که اینگونه مطالبات عملیاتی نگردد؟

۱- موانع بنیادی

الف) در حوزه نظری

۱- تسلط جریان لیبرالی- نیاورانی در حوزه تصمیم گیری و تصمیم سازی اقتصاد

کشور؛ به هم تنیدگی جریان لیبرالیسم در مدیریت های مختلف اقتصادی و رخنه عمیق در دانشگاهها و مراکز علمی و پژوهشی و برخورداری این جریان از منابع مالی فراوان و نفوذ در نهادهای مرجع اقتصادی به نوعی راه را بر جریان مدافع اقتصاد اسلامی بسته است. بررسی روند نشان می دهد به احتمال قوی این تفکر در آینده نقش بیشتری در تصمیم سازی و تصمیم گیری کلان اقتصادی کشور خواهد داشت و سیطره خود را بر مدیریت کشور افزون تر خواهد کرد. به نظر می رسد پذیرش و قرابت بسیاری از اقتصاددانان و بخشی از مسئولین به این تفکر، در آینده شکاف طرفداران اقتصاد لیبرالی و مدافعان اقتصاد اسلامی بیشتر شده و فاصله گیری جامعه اقتصادی کشور از اقتصاد اسلامی افزایش خواهد یافت.

۲- ضعف در مدل سازی اقتصاد مبتنی بر نظام اسلامی؛ ضعف باور به اقتصاد اسلامی و

درک ناصحیح از آن بین مسئولین و متولیان امر، رخنه تفکر لیبرالی در مراکز علمی و آموزشی- پژوهشی، کمبود منابع علمی اقتصاد اسلامی و نیروی انسانی باورمند به اقتصاد اسلامی و همچنین نبود اراده قوی برای نظام سازی اقتصادی باعث شده است بسیاری از مطالبات مقام معظم رهبری که قرابت بیشتر با این گفتمان را دارد همچنان مغفول بماند.

۳- فاصله گیری و کم اعتنائی آموزه های دینی در کاربست اقتصاد کشور؛ عدم تجربه

حاکمیت دینی و بالتبع آن ناتوانی حوزه و دانشگاه در تدوین و تبیین الگوی اقتصاد اسلامی- ایرانی پیشرفت، غیر رسمی و در حاشیه بودن تدریس متون اقتصاد اسلامی در نظام آموزشی حوزه، ابتناء رشته های مرتبط اقتصادی بر مبانی سکولاریستی و لیبرالیستی غرب، فقدان تربیت مدیران ارشد اقتصادی تراز انقلاب اسلامی، نفوذ عناصر لائیک و سکولار در بدنه مدیریت و لایه های عالی کارشناسی اقتصادی، عدم باورمندی به کارآمدی اقتصاد اسلامی در تصمیم سازان اقتصادی، اجرای نسخه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در بخش هایی از حوزه اقتصادی کشور باعث شده اقتصاد ایران از انحراف جدی از اصول و آرمان های اسلامی رنج ببرد و با چالش جدی ناکارآمدی دین در ارائه مدل اسلامی پیشرفت اقتصادی مواجه شود. دور شدن و فاصله گرفتن

از آموزه های دینی و غلبه تدریجی سوداگرایی ، ناتوانی بانک‌ها در اجرای عقود اسلامی به دلیل فقدان زیر ساخت های لازم و نبود سیستم نظارتی جامع، موجب غلبه گرایش به اقتصاد ربوی در چرخه معاملات بانکی شده و جامعه اسلامی را با گسترش ثروت های بادآورده، افزایش شکاف طبقاتی و دو قطبی شدن تعارضات سبک زندگی دارا و ندار و مآلاً بحران عدالت اجتماعی و بی اعتباری کرده است.

برای برون رفت از این معضلات چهار گانه چند نوع اقدام و مطالبه گری باید صورت

گیرد:

• رایزنی با دانشگاه ها، مراکز علمی و پژوهشی و نهادها برای شناسایی، جذب و تربیت محققان و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی که ضمن برخورداری از دانش اقتصاد، مبانی دینی و تجربه مدیریت اقتصادی که دارای توان و قابلیت تولید مدل نظریه اقتصاد اسلامی و نقد تئوری غربی باشد.

• هماهنگی و انسجام بخشی میان دانشگاه امام صادق (ع)، موسسه امام خمینی(ره) سازمان اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و... برای ایجاد هم افزایی ظرفیت ها و یافته های علمی اقتصاد اسلامی و جلوگیری از فعالیت های پراکنده و بخشی.

• گفتمان سازی اقتصاد اسلامی و تبیین تهدیدات شیوع تفکر اقتصاد لیبرالیستی و نقد کارآمدی اقتصاد سرمایه داری از طریق تشکیل جلسات روشنگری در حوزه های علمیه، دانشگاه ها و مراکز علمی و آموزشی

• شناسایی، کنترل و مهار عناصر معتقد به اقتصاد لیبرالیستی در لایه های عالی کارشناسی، تصمیم گیری و مدیریت اقتصادی و به موازات آن ایجاد زمینه و هدایت عناصر متدین، مجرب و متخصص در اقتصادی اسلامی برای تصدی مناصب عالی کارشناسی و حوزه های مدیریت اقتصادی

• هماهنگ کردن محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه برای بررسی، بازطراحی، بازنگری و ارائه مطلوب عملیات بانکداری بدون ربا براساس آموزه های اسلامی سپس ایجاد مطالبه گری برای تحقق بانک داری بدون ربا با استفاده از همه منابع و ظرفیت های تبلیغی و رسانه ای

• گفتمان سازی آموزه های دینی و طرد سوداگرایی صرف اقتصادی از طریق رسانه ها، نشریات

(ب) در حوزه رفتاری و عمل

۱- پیوند قدرت و ثروت در تولید رانت، فساد و انحصار؛ پیوند قدرت و ثروت و رویکرد معطوف به منافع شخصی بخشی از کارگزاران نظام در سطوح مختلف در بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی باعث شده است که ساختارهای نظام کارآیی لازم خود را از دست داده و نارضایتی و بی اعتمادی مردم را در پی داشته باشد

۲- تشکیل باندهای مافیایی قاچاق کالا؛ قاچاق کالا و ارز پدیده‌ای چندوجهی شامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ... است که مهم‌ترین وجه آن اقتصادی است. از جنبه اقتصادی قاچاق کالا و ارز سبب خروج اقتصاد از مسیر سالم، شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی، کاهش تولید ناخالص ملی، افزایش بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری و تغییر الگوی مصرف و ... می‌شود. پدیده قاچاق کالا در کشور ما، افزون بر آثار سوء اقتصادی به‌مثابه یک چالش اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است. امروز این پدیده افزون بر اینکه یک تهدید جدی بر سر راه تجارت آزاد به شمار می‌آید، هزینه‌های زیادی را نیز به بدنه اقتصادی کشور تحمیل می‌کند. مضافاً بسیاری از کالاهایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود کالاهای مصرفی بوده و عمدتاً جزء کالاهای اساسی و مورد نیاز مصرف‌کننده نبوده، بلکه قاچاقچیان سودجو با تبلیغات و ایجاد نیاز کاذب در مصرف‌کننده به مصرف این کالاها در داخل کشور دامن می‌زنند. ضمن اینکه بیشتر این کالاها به دلیل نظارت نکردن مراجع قانونی کیفیت پایینی دارند. گفتنی است، در حال حاضر مهم‌ترین رقیب تولید در کشور «قاچاق» است که باید جلوی آن گرفته شود. طبق اعلام آمارهای خروج کالا از بنادر سایر کشورها به سمت ایران، سالیانه حدود ۲۰ میلیارد دلار و در سال گذشته

به دلیل گرانی نرخ ارز و مقرون به صرفه نبودن قاچاق حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور شده است که بسیاری از این کالاها از اجناس بی کیفیت و ارزان قیمت است.

پیامدهای اقتصادی ناشی از قاچاق کالا و ارز

- شکل گیری اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی و گمرکی؛
- کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه؛
- کاهش سطح تولید ناخالص ملی؛
- کاهش اشتغال و افزایش بیکاری؛
- هدر رفتن منابع ارزی کشور؛
- توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی؛
- گسترش فرهنگ تجمل گرایی؛
- کاهش امنیت عمومی با فرار گسترده سرمایه؛
- کاهش تولیدات صنعتی داخلی. (در کل می توان گفت قاچاق کالا مانع تحقق جهش تولید در داخل کشور می شود که باید هوشمندانه با این موضوع برخورد شود).

۳- واردات بی رویه کالاهای غیر ضروری؛ واردات بی رویه و دارای مشابه داخلی پاشنه آشیل اقتصاد ایران و آفت بخش تولید به شمار می آید. در این زمینه باید به نقش بنگاه های وابسته به کانون های قدرت و ثروت اشاره کرد که سود خود را تنها در واسطه گری و سرازیر کردن کالاهای مصرفی به بازار کشور می بینند و با این کار واحدهای تولیدی را با فشاری کمر شکن مواجه کرده اند. فاجعه بارتر از واردات این گونه کالاها، قاچاق افسارگسیخته است که منافعی هنگفت را برای سوداگران به بار می آورد و گاهی شاهد هستیم ریشه های قاچاق به راحتی قابل قطع کردن نیست. در چنین وضعیتی تولید نمی تواند به جهش برسد.

۲- موانع فرهنگی

«فرهنگ» همواره به منزله بزرگ‌ترین پیش‌نیاز نیل به توسعه همه‌جانبه در میان صاحب‌نظران مطرح بوده و هست و فرهنگ توسعه‌محور، همواره توده‌های گوناگون اجتماعی را به سوی دستیابی به آرمانی بزرگ - که همان توسعه همه‌جانبه کشور است - راهنمایی و هدایت می‌کند. متأسفانه، در کشور از نبود فرهنگ توسعه‌محور رنج فراوان برده‌ایم و این مسئله خود را در همه مراحل زندگی روزمره جامعه نشان داده است که به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

ادراک غلط در برتری کالای خارجی؛ بسیاری از ایرانیان بیش از آنکه تولیدات داخلی و بومی خود را مصرف کنند، در دور باطل به خرید کالاهای خارجی روی می‌آورند. متأسفانه، سال‌هاست کشور ما با معضل ترویج مصرف کالاهای خارجی روبه‌رو بوده است؛ روندی که پس از گذشت دهه‌ها به فرهنگ تبدیل شده است و همواره کالای خارجی بر کالای تولید وطن ترجیح داده می‌شود. به نوعی می‌توان گفت، تولید کالای داخلی در مهجوریت همچنان از بی‌توجهی و نگاه منفی رنج می‌برد و از آن استقبال نمی‌شود. با توجه به چرخه تولید، خرید هر کالای خارجی به معنای افزایش اشتغال خارجی و در مقابل فراهم شدن شرایط برای تعطیل شدن صنایع داخلی و بیکاری بیشتر نیروی کار است. در واقع، واردات فشار مضاعفی را بر تولیدکننده داخلی وارد می‌کند. البته ناگفته نماند که استفاده نکردن از کالاهای خارجی فقط شامل مصرف‌کننده نمی‌شود؛ بلکه تولیدکننده نیز وظایفی را بر عهده دارد. قیمت بالای محصول، پایین بودن کیفیت و نداشتن توان رقابتی با کالاهای خارجی، تقاضا را به سمت کالاهای خارجی سوق می‌دهد. تولیدکننده‌ها عمده فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود را فقط برای سوددهی در بازه زمانی کوتاه‌مدت انجام داده و به سلیقه و خواسته‌های مصرف‌کننده کمتر اهمیت می‌دهند. این در حالی است که در دیگر کشورها، مصرف‌کننده داخلی را در اولویت قرار داده و محصولات جدید خود را به صورت رایگان یا با تخفیف زیاد در اختیار مشتری قرار می‌دهند تا بازار را نسبت به واردات کالاهای مشابه خارجی واکسینه کنند. گفتنی است، برخی معضلات و مشکلات در این حوزه وجود دارد؛ اما یک ذهنیت منفی در این سال‌ها در زمینه کالای ایرانی شکل گرفته است که شخص رهبر معظم انقلاب ترجیح کالاهای خارجی

به ایرانی را یک مشکل جدی ذهنی در جامعه می‌دانند و می‌فرمایند: «باید تحرک و تحولی فکری و قوی شکل بگیرد تا برداشت غلط بودن جنس خارجی از ذهن‌ها پاک شود.» درباره عوامل روانی و فردی باید گفت، لازم است ادراک ما نسبت به کالاهای ایرانی تغییر کند و شخصیت و عقاید ما به شکلی رقم بخورد که باور کنیم خرید کالاهای ایرانی برابر با افزایش تولید و رشد اقتصادی کشور است. حال اگر خرید کالاهای ایرانی در جامعه ترویج پیدا کند و به فرهنگ عمومی تبدیل شود، موجب افزایش انگیزه در تولیدکننده و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای افراد بیکار جامعه می‌شود.

۱- پایین بودن فرهنگ کار؛ نبود فرهنگ کار موجب شده است کم‌کاری در میان مردم به نوعی عادت تبدیل شود و افراد در بسیاری از موارد به شغل خود بها ندهند و اصول مسلم آن کار را رعایت نکنند یا بخش زیادی از جامعه رویکرد دلالی و واسطه‌گری را به مثابه شغل پر درآمد و کم زحمت ملاک انتخاب قرار دهند. این مشکل خود را در برخی موارد به صورت تنزل کیفیت کالای تولید شده یا کم‌فروشی و دغل‌بازی در بازرگانی نمایان می‌کند. جهش تولید اتفاق نمی‌افتد مگر با جهش کار و تلاش فردی و جمعی در سطح جامعه، آنجا که خداوند نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». (نجم: ۳۰) از این رو از مسئولان و متولیان امر (اعم از دولت، مجلس، رسانه ملی و...) انتظار می‌رود برای بسط و گسترش فرهنگ کار و تلاش، زمینه‌های لازم و مشوق‌های انگیزشی را فراهم کرده و پرکاری و پرتلاشی در سطح جامعه به منزله یک ارزش در بین آحاد مردم ترویج داده شود.

۲- باور نداشتن به تولید ملی؛ یکی از الزامات خاص در مسیر تولید ملی و جهش آن توجه و نهادینه‌سازی باور توانستن در جامعه است. در گام نخست هم تولیدکننده باید به این باور برسد که کالا و سازه او قابلیت رقابت با نوع خارجی را پیدا خواهد کرد و هم مصرف‌کننده داخلی باید باور کند که تولیدات داخل ایران می‌تواند نیازهای او را مرتفع کند و «برند» بودن بسیاری از کالاها لزوماً به معنای کیفیت افزوده آنها نیست. مسئله باور به توانایی در تولید و جهش چند برابری آن بسیار حائز اهمیت است و جوانان ما در شرکت‌های دانش‌بنیان به عینه نشان دادند و ضروری است مردم هم همدوش جوانان خلاق، کالای تولید داخل را با رضایت خریداری کنند تا

به جهش تولید کمک کنند. نهادهای سازی باور توانستن در سطح جامعه امری است که اگر محقق شود، قطعاً خیرات و برکات فراوانی را می‌تواند برای بخش‌های تولیدی کشور به همراه داشته باشد. در این زمینه نقش نهادهای آموزشی اعم از آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور، رسانه‌های دیداری و شنیداری و حمایت مسئولان رده بالای کشور برای ایجاد و بسط چنین باوری لازم و ضروری است.

۳- ساختاری

۳-۱) **عملکرد نظام بانکی کشور**؛ یکی دیگر از موانع تولید که به نوعی مانع اجرای منویات و مطالبات رهبر معظم انقلاب در بخش اقتصاد تحلیل می‌شود، بانک‌ها هستند. بانک‌ها با عملکردشان یکی از اصلی‌ترین رقبای تولید در کشور ما شناخته می‌شوند که از رونق و پیشرفت تولید، کارگاه‌ها و کارخانجات تولیدی ممانعت می‌کنند. تولیدکنندگان می‌توانند با بهره‌های بالای تسهیلات بانکی چرخه تولید خود را بچرخانند؛ زیرا باید درآمدشان به قدری بالا باشد تا ابتدا بتوانند اقساط بانکی خود را که سود بالایی دارند پرداخت کنند و در ثانی هزینه‌های جاری اعم از حقوق کارکنان، بیمه، مالیات و انرژی را نیز بپردازند که مجموع این هزینه‌های سرسام‌آور سبب شده تولید داخل آن طور که باید و شاید به منصفه ظهور نرسد. این مشکل فقط با یک دستورالعمل حل نمی‌شود و تا زمانی که مشکل سودهای بانکی در کشور رفع نشود، تولید رونقی نخواهد یافت. بانک‌های موجود کشور هر یک به فراخور موقعیت خود و شرایط زمانی با تزریق منابع پولی کشور در بخش بازرگانی یا سرمایه‌گذاری‌های خاص بخش‌های مختلف تولیدی را تأمین مالی نمی‌کنند. راهکاری که می‌تواند جزء مطالبات فراگیر از مسئولان باشد، این است که باید قوانینی وضع شود تا نظام بانکی در چارچوبی معین و با اخذ تضمین‌های محکم از هر گونه انحراف منابع پولی کشور از سوی بانک‌ها جلوگیری به عمل آید و همچنین آنان را در زمینه تخصیص منابع پولی در بخش بازرگانی، ملزم به اخذ مجوز از شورای اقتصاد کنند تا فقط به مقدار نیاز حقیقی کشور و آن هم در زمینه کالاهایی که توان تولید آنها در کشور نیست، بانک‌ها بتوانند گشایش اعتبار یا تخصیص و پرداخت تسهیلات کنند. افزون بر این، قوانینی به تصویب برسد که از هر گونه اقدام بانک‌ها برای ورود به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم و در قالب

شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به آنان جلوگیری کند و بانک‌ها به هیچ وجه مجاز به مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند. از سویی دیگر، طی قانونی که ضمانت اجرایی بالایی را به همراه داشته باشد، مدیران و بخش‌های اجرایی بانک‌ها باید در زمینه پاسخگویی سریع و بی‌کم و کاست نسبت به تأمین مالی بخش‌های تولیدی مکلف شوند. اگرچه اصلاح نظام بانکی یکی از موضوعات هفت‌گانه طرح تحول است و چند سالی از عمر آن می‌گذرد؛ اما اقدام چشمگیر و در خور توجه و قابل اعتنایی صورت نگرفته است.

۳-۲) بالا بودن رتبه ایران در فضای کسب‌وکار؛ منظور از محیط کسب‌وکار، عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران یا بنگاه‌ها نمی‌توانند آنها را تغییر داده یا بهبود بخشند. محیط کسب‌وکار نامناسب، هزینه عملکرد بنگاه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و سبب از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری و نیز عقب ماندن تولیدکنندگان کشور از رقبای جهانی می‌شود. «بانک جهانی» سلسله گزارش‌های سهولت کسب‌وکار خود را با عنوان «انجام کسب‌وکار ۲۰۲۰» منتشر می‌کند. بر اساس این، دوازده حوزه مورد بررسی عبارتند از: «شروع یک کسب‌وکار»، «اخذ مجوز ساخت»، «دریافت برق»، «ثبت ملک»، «دریافت اعتبار»، «حمایت از سرمایه‌گذاران خرد»، «پرداخت مالیات»، «تجارت فرامرزی»، «اجرای قراردادها»، «حل و فصل ورشکستگی»، «استخدام نیروی کار» و «پیمان‌کاری با دولت». البته دو بخش «استخدام نیروی کار» و «پیمان‌کاری با دولت» کنار گذاشته شده‌اند و ۱۰ حوزه با ۴۵ شاخص بررسی می‌شوند.

رتبه‌بندی «سهولت کسب‌وکار ۲۰۲۰» - اکتبر (آبان) ۲۰۱۹			
رتبه	کشور	نمره	تغییر رتبه نسبت به پارسال
۱	نیوزیلند	۸۶/۸	-
۲	سنگاپور	۸۶/۲	-
۳	هنگ‌کنگ	۸۵/۳	+۱
۴	دانمارک	۸۵/۳	-۱
۵	کره جنوبی	۸۴/۰	+۲
۶	آمریکا	۸۴/۰	-۱
۷	گرجستان	۸۳/۷	+۱
۸	انگلیس	۸۳/۵	+۱
۹	ترکز	۸۲/۶	-۲
۱۰	سوئد	۸۲/۰	+۲
کشورهای منتخب			
۱۶	امارات	۸۰/۹	-۵
۲۸	روسیه	۷۸/۲	+۳
۳۳	ترکیه	۷۶/۸	+۱۰
۳۴	آذربایجان	۷۶/۷	-۹
۴۳	بحرین	۷۶/۰	+۱۹
۴۷	ارمنستان	۷۴/۵	-۶
۶۲	عربستان	۷۱/۶	+۳۰
۶۳	هند	۷۱/۰	+۱۴
۶۸	عمان	۷۰/۰	+۱۰
۷۵	اردن	۶۹/۰	+۲۹
۷۷	قطر	۶۸/۷	+۶
۸۳	کویت	۶۷/۴	+۱۴
۱۰۸	پاکستان	۶۱/۰	+۲۸
۱۱۴	مصر	۶۰/۱	+۶
۱۱۷	کرانه باختری و غزه	۶۰/۰	-۱
۱۲۷	ایران	۵۸/۵	+۱
۱۷۲	عراق	۴۴/۷	-۱
۱۹۰	سومالی	۲۰/۰	-

در ارزیابی این نهاد بین‌المللی که قوانین کسب‌وکار را برای ۱۹۰ کشور ارزیابی می‌کند، ایران با یک رتبه صعود در رده ۱۲۷ قرار گرفته است؛ رتبه‌ای که البته از سرعت کم ایران برای باز کردن زنجیر مقررات از چرخ کسب‌وکارها حکایت دارد. این در حالی است که دیگر اقتصادهای خاورمیانه طی یک سال اخیر بیشترین اصلاحات مقررات‌زدایی و تسهیل کسب‌وکار را در جهان داشته‌اند، به ویژه چهار کشور اردن، بحرین، عربستان و کویت؛ تا جایی که عربستان سعودی با ۳۰ پله صعود به جایگاه ۶۲ رسیده است. در سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت آقای روحانی و با نگاه تعامل با جهان (به ویژه با کشورهای غربی) امیدهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت مردم به وجود آمد؛ اما رسیدن به توافق هسته‌ای و اجرای آن برخلاف همه انتظارات، وضعیت نامطلوب فضای کسب‌وکار را تغییر نداد. جدول زیر گویای این است که اگر اقدامات اساسی در این بخش با فوریت انجام نگیرد، نمی‌توان به رونق و جهش تولید دست یافت.

«سهولت کسب‌وکار ۲۰۲۰» ایران به تفکیک ۱۲ حوزه - اکتبر (آبان) ۲۰۱۹				
رتبه ۲۰۲۰	رتبه ۲۰۱۹	رتبه ۲۰۱۹ (به‌روزرسانی شده)	رتبه ۲۰۱۹	حوزه
۱۲۷	۵۸/۵	۵۸/۶	۱۲۸	کل
۱۷۸	۶۷/۸	۶۷/۸	۱۷۳	شروع یک کسب‌وکار
۷۳	۷۱/۲	۷۰/۸	۸۶	اخذ مجوز ساخت
۱۱۳	۶۹/۴	۶۹/۳	۱۰۸	دریافت برق
۷۰	۶۸/۱	۶۹/۰	۹۰	ثبت ملک
۱۰۴	۵۰/۰	۵۰/۰	۹۹	دریافت اعتبار
۱۲۸	۴۰/۰	۴۰/۰	۱۷۳	حمایت از سرمایه‌گذاران خرد
۱۴۴	۵۹/۵	۵۹/۵	۱۴۹	پرداخت مالیات
۱۲۳	۶۶/۲	۶۶/۲	۱۲۱	تجارت فرامرزی
۹۰	۵۸/۲	۵۸/۲	۸۹	اجرای قراردادهای
۱۳۳	۳۵/۱	۳۵/۶	۱۳۱	حل‌وفصل ورشکستگی

راهکارها و الزامات فوریت‌دار

۱- طراحی، دقت و نظارت بر زنجیره تأمین تولید؛ زنجیره تأمین مهم‌ترین و طولانی‌ترین فرایندی است که می‌توان برای یک واحد تولیدی در نظر گرفت. زنجیره تأمین سه مرحله پیش از تولید، تولید و پس از تولید دارد. در واقع، زنجیره تأمین از مرحله تأمین مواد اولیه آغاز

می‌شود و تا مرحله تحویل کالای نهایی به مشتری ادامه می‌یابد. البته برای محصولاتی که به پشتیبانی و ارائه خدمات پس از فروش نیاز دارند، زنجیره تأمین این مرحله را نیز در بر می‌گیرد. اگر یک واحد تولیدی بخواهد جهش تولید داشته باشد، باید دارای یک زنجیره تأمین قوی و بدون عیب و نقص باشد. انتخاب تأمین‌کننده مواد اولیه در مرحله نخست زنجیره تأمین بسیار حائز اهمیت است. اینکه مواد اولیه مورد نیاز با چه قیمتی و با چه کیفیتی و در چه زمانی به دست تولیدکننده برسد، در کمیت و کیفیت تولید، در قیمت تمام شده محصول و در زمان عرضه محصول به بازار مصرف و انجام تعهد زمانی تولیدکننده مؤثر خواهد بود. پس بسیار مهم است که تأمین‌کننده مواد اولیه چه کسی یا چه شرکتی باشد. سؤال مهم این است که آیا تأمین‌کننده مواد اولیه به تعهدات خود پایبند می‌ماند یا تحت شرایط، از تعهدات خود سر باز خواهد زد؟ در زمان تحریم تولیدکنندگان داخلی، در موارد بسیاری با انجام نشدن تعهدات تأمین‌کنندگان خارجی مواد اولیه خود مواجه می‌شوند. پس در انتخاب تهیه‌کننده مواد اولیه (چه تأمین‌کنندگان خارجی و چه تأمین‌کنندگان داخلی) باید دقت بسیار زیادی شود. مرحله دوم زنجیره تأمین در واقع فرایند تولید محصول است. در این مرحله باید نیازسنجی بازار، طراحی و تولید محصول با دقت زیاد انجام شود. برای ایجاد جهش در تولید، بسیار مهم است که چه چیزی تولید شود؟ چگونه تولید شود؟ با چه کیفیتی تولید شود؟ قیمت تمام شده محصول چقدر باشد و با چه قیمتی به دست مصرف‌کننده نهایی برسد؟ در مرحله تولید می‌توان به پرسش‌های فوق پاسخ داد. اساساً پاسخ هر یک از این پرسش‌ها می‌تواند در جهش تولید نقش‌آفرین باشد. مرحله سوم زنجیره تأمین به هرآنچه پس از تولید اتفاق می‌افتد، مربوط است. در واقع توزیع و رساندن محصول به دست مصرف‌کننده نهایی در این مرحله انجام می‌شود. این مرحله بسیار حساس و مهم است؛ زیرا ارتباط مشتری با محصول برقرار می‌شود و قضاوت و برداشت مشتری از محصول خریداری شده، تولیدکننده آن و در نهایت برند آن صورت می‌گیرد. اگر مشتری به برداشت خوبی برسد، به مشتری وفادار تبدیل خواهد شد. پشتیبانی از محصول (گارانتی محصول) و ارائه خدمات پس از فروش با کیفیت و استاندارد قابل قبول به وفاداری مشتری می‌افزاید و موجب تقویت برند و در نهایت جهش فروش می‌شود و جهش فروش به جهش تولید می‌انجامد.

برخورد جدی با مفسد اقتصادی؛ در حال حاضر، مفسد اقتصادی یکی از موضوعات مهم و کلیدی و در عین حال بحث‌انگیز جامعه ما به شمار می‌آید. در طول سه دهه گذشته، هرگاه اقدامی در مبارزه با مفسد اقتصادی آغاز شده، پس از مدتی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو و به حال خود رها شده است. طرح مبارزه با مفسد اقتصادی که پیشتر با عناوینی چون مبارزه با ثروت‌های بادآورده و فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب به سران سه قوه در دستور کار مسئولان قرار گرفت، نتوانسته به خوبی پیش برود تا اینکه تغییری در دستگاه قضایی صورت گرفت و با آمدن آقای رئیسی تا حد زیادی اقداماتی در راستای مبارزه با مفسد به ویژه با دانه درشت‌ها و برخی از مقربان مسئولان صورت گرفت که یک نقطه امید در سطح جامعه ایجاد کرد و روند تداومی آن همراه با نظارت‌های پیشگیرانه می‌تواند اعتماد از دست رفته در این حوزه را به جامعه برگرداند. در غیر این صورت آثار و پیامدهای مفسد اقتصادی به قدری بر جامعه در سطوح گوناگون اثر سوئی دارد که گاهی اساس نظام را هم در معرض خطر قرار می‌دهد. برای اهمیت مبارزه با فساد اقتصادی به برخی از آثار سوء و زیانبار آن اشاره می‌شود.

۱-۲- آثار سیاسی؛ آسیب‌پذیری دولت، کاهش مشروعیت قانون، کاهش مشارکت سیاسی مردم، رشد گروه‌گرایی و قوم‌گرایی و تهدید همبستگی ملی.

۲-۲- آثار اقتصادی؛

- هدررفت منابع عمومی و ملی به شکلی نامناسب؛
- آسیب‌پذیری اعتبار دولت نزد بخش خصوصی؛
- کاهش سرمایه‌گذاری؛
- انحراف در فعالیت‌های تجاری داخلی و بین‌المللی؛
- آسیب‌پذیری اصل رقابت و بازار.

۲-۳- آثار اجتماعی و سیاسی؛ تباری صاحبان قدرت و ثروت برای تداوم موقعیت متقابل، جناح‌گرایی سیاسی، قوم‌گرایی و تبارگرایی.

رویکرد اصلاحی به اشتغال؛ ایران با داشتن ۸۰۰ شهرک صنعتی و شرکت‌های فراوان ریز و درشت به جز شرکت‌های دانش‌بنیان باید به دنبال ساخت‌وسازهای جدید باشد و از ظرفیت‌های خالی و راکد استفاده کند. در این بین تنها با تغییر رویکرد می‌توان به بهره‌وری در این بخش رسید. در همین زمینه، به گفته متولیان امر از ۴۳ هزار واحد مستقر در شهرک‌های صنعتی ایران بین ۱۱ تا ۱۲ هزار واحد راکد است، تعدادی از واحدها هم با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد و بقیه هم با ظرفیت ۵۰ تا ۷۰ درصد کار می‌کنند و در این بین تنها ۲۵ درصد واحدها با ظرفیت بالای ۷۰ درصد مشغول فعالیت هستند که آزادسازی این ظرفیت‌ها می‌تواند به جهش تولید کمک کند.

۲- **تنقیح قوانین؛** تعدد بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و تفسیرها در بخش‌های مرتبط با تولید، تأمین اجتماعی، محیط زیست، بانک، صادرات و مالیات بیشترین مشکل را در این بخش ایجاد کرده و به نوعی قوانین ضد یا معارض تولید شده‌اند. مهم‌ترین راهکاری که می‌تواند در این زمینه اثربخش باشد، این است که کارگروهی در سطح ملی تشکیل شود و این دستورالعمل‌ها را تنقیح کرده و برداشت‌های متفاوت و موارد متضاد را تجدید نظر کنند. در این بین مجلس یازدهم می‌تواند بازیگر مهمی برای به ثمر نشستن این ایده باشد.

۳- **اجرای مالیات به صورت عدالت عمودی؛** عدالت عمودی که به اصل قدرت پرداخت تعبیر می‌شود، آن است که در اجازه مالیات‌ها باید با اشخاصی که از نظر اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند، به صورت نامساوی برخورد کرد. به بیان دیگر، برای تحقق عدالت عمودی، لازم است مالیات‌ها برای افرادی که در گروه‌های متفاوت درآمدی و ثروت قرار دارند به شیوه‌ی نابرابر وضع شود. به این صورت که برای رسیدن به عدالت عمودی لازم است نرخ مالیات برای افراد با درآمدهای گوناگون یکسان نباشد و با افزایش درآمد تصاعدی شود، مانند مالیات بر املاک، عایدی، شناسایی ظرفیت‌های جدید و خودروهای گران‌قیمت و لوکس، اما متأسفانه در بیشتر

بخش‌ها عدالت به صورت عدالت افقی اجرا شده و معمولاً بار مالیاتی به طور مساوی سرشکن می‌شود.

۴- جلوگیری از واردات بی رویه و غیر ضرور؛ واردات بی رویه و دارای مشابه داخلی
پاشنه آشیل اقتصاد ایران و آفت بخش تولید به شمار می‌آید. در این زمینه باید به نقش بنگاه‌های وابسته به کانون‌های قدرت و ثروت اشاره کرد که سود خود را تنها در واسطه‌گری و سرازیر کردن کالاهای مصرفی به بازار کشور می‌بینند و با این کار واحدهای تولیدی را با فشاری کمرشکن مواجه کرده‌اند. فاجعه‌بارتر از واردات این گونه کالاها، قاچاق افسارگسیخته است که منافی هنگفت را برای سوداگران به بار می‌آورد و گاهی شاهد هستیم ریشه‌های قاچاق به راحتی قابل قطع کردن نیست. در چنین وضعیتی تولید نمی‌تواند به جهش برسد.

۵- تغییر رویکرد به مدیریت جهادی؛ برای رسیدن به پاسخ هر چند باید الزاماتی فراهم شود؛ اما تغییر رویکرد مهم‌تر و شرط اساسی است و باور حل مشکلات با نگاه مدیریت جهادی برای شکوفایی اقتصاد کشور امری ضروری به نظر می‌رسد. با همین نگاه، رهبر معظم انقلاب در بخشی از تبیین شعار سال در سال گذشته در حرم مطهر رضوی فرمودند: «برای شکوفایی اقتصاد کشور به کاری احتیاج داریم که هم مجاهدانه باشد، هم عالمانه باشد. با تنبلی، با بی حالی، کم انگیزگی، مسئله اقتصاد کشور حل نخواهد شد. کار جهادی باید انجام بگیرد، مدیریت‌های جهادی باید بر مسائل اقتصادی کشور احاطه داشته باشند، تصمیم‌گیری کنند؛ کار جهادی. کار جهادی یعنی کاری که هم در آن تلاش هست، خستگی‌ناپذیری هست، هم اخلاص هست؛ [یعنی] انسان می‌فهمد که برای خودش، برای پُر کردن کیسه خودش کار نمی‌کند، دارد برای مردم کار می‌کند، برای خدا کار می‌کند؛ هم این و هم عالمانه؛ یعنی بنشینند و با موازین علمی، با شیوه دقیق عالمانه راه‌های صحیح را پیدا کنند؛ هم با سواد باشند، کارآمد باشند، هم امکانات گوناگونی داشته باشند؛ اینها بنشینند کار کنند؛ اقتصادکشور قطعاً شکوفایی پیدا خواهد کرد.» پس راه‌اندازی «چرخ تولید» و ایجاد «رونق تولید» برنامه صحیح و مرد عمل می‌خواهد و باید همه متولیان امر تولید و همه امکانات دولتی و بخش خصوصی در این راه بسیج شوند و با مدیریت جهادی چرخ تولید را به گردش در بیاورند.

۶- کاهش نابرابری‌های اجتماعی؛ فاصله طبقاتی آثار نامطلوبی در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد و ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، بی بندوباری، دزدی، طلاق، خودکشی‌ها، بیماری‌های جسمی و روحی و روانی، از جمله استرس و افسردگی و خشم و پرخاشگری و عقده‌های روانی، ضعف اخلاقی و ناپه‌نجاری‌های اجتماعی، کاهش عزت‌نفس و اضطراب و تشویش خاطر، ایجاد ناامنی در جامعه، معلولیت و ناتوانی و گرسنگی و از همه مهم‌تر ضعف اعتقاد و دینداری، برخاسته از این نابرابری‌هاست. در اقتصاد، مهم‌ترین معیار سنجش برای میزان نابرابری توزیع درآمد یا ثروت، ضریب جینی است و ساده‌ترین تعریف برای شاخص ضریب جینی این است که این ضریب ارزشی بین صفر و یک دارد، به گونه‌ای که اگر ضریب جینی به صفر نزدیک باشد، برابری توزیع درآمد بیشتر شده و شکاف طبقاتی کمتر است و اگر ضریب جینی به سمت یک برود، به معنای افزایش نابرابری درآمد و توزیع نامتوازن آن تلقی شده که عملاً فاصله طبقاتی بیشتر را نشان می‌دهد و این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد، به دلیل ناکارآمدی سیاست‌های دولت، فساد و رانت در سال‌های اخیر، ضریب جینی با رشد بسیار چشمگیر، از حدود ۳۷ صدم در سال ۱۳۹۰ به ۴۱ صدم در سال ۱۳۹۷ رسیده که امری کم‌سابقه است. ناگفته نماند که رفع فاصله طبقاتی عامل مهمی در بهداشت روانی است. در واقع، مسائل اقتصادی در تأمین بهداشت روانی انسان‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. رفع فقر و محرومیت‌ها می‌تواند گامی بسیار بزرگ برای کاستن از بیماری‌های روانی و شکوفایی استعدادها و بالقوه موجود در جامعه بردارد؛ به همین دلیل راهبردها و خط و مشی‌های کلی جوامع برای ارتقای بهداشت روانی، در وهله اول متمرکز بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی است؛ چرا که با رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و تأمین معیشت مناسب، بسیاری از مشکلات روانی جامعه مرتفع می‌شود.

۷- توجه جدی به اقتصاد مقاومتی با محوریت مردم؛ ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی اصلی اساسی است. اقتصاد مقاومتی اقتصاد مردمی است. اگر قرار باشد به نهادسازی‌های موازی در اقتصاد مقاومتی اقدام کنیم، لزومی ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد؛ بلکه ضروری است مردم به این عرصه وارد شوند. در این بخش نهادهای اقتصادی

مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه اقتصادی فراهم کنیم، به حتم تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود. در نظام‌های اقتصادی مرسوم در جهان، نظام سرمایه‌داری بر پایه مالکیت خصوصی و نظام سوسیالیستی بر پایه دولت بنا شده، اما اقتصادی که از آن به اقتصاد مقاومتی یاد می‌شود، مردم‌بنیاد است و نه دولت‌محور. در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی موانعی وجود دارد که بدون حضور و مطالبه مردمی رفع نمی‌شوند. یکی از این موانع ناکارآمدی و ضعف‌هایی است که در دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حاکمیت مجری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بروز می‌کند. مردم به‌مثابه سرمایه انسانی نظام می‌توانند تأثیر شگرفی در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی داشته باشند. اقشار گوناگون در هر صنف و حرفه‌ای که هستند با ایجاد گفت‌وگو، اقتصاد مقاومتی می‌توانند نیازهای اقتصادی و معیشتی خود را در چارچوب اقتصاد مقاومتی تعریف کرده و تأمین کنند. در همین راستا، به چند عامل اساسی مرتبط با این موضوع اشاره می‌شود. اول از همه اصلاح الگوی مصرف باید از سوی مردم صورت بگیرد. متأسفانه، فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی سبب ایجاد نیاز کاذب و وابستگی به واردات می‌شود؛ چرا که دیگر تولید داخل توان پاسخگویی به نیازهای تجملاتی اقشار گوناگون را ندارد و به ناچار واردات بی‌رویه و دلالی محصولات خارجی در قالب تجارت شکل می‌گیرد. مضاف بر اینها، سرمایه‌های خرد مردم باید با تجمیع و تبدیل شدن به سرمایه‌های کلان به بخش واقعی اقتصاد تزریق شود و در کنار آن مردم کالای ساخت داخل را مصرف کنند. کالای ایرانی یعنی اشتغال ایرانی، یعنی کاهش ارزبری در محصولات مصرفی و در نهایت یعنی اقتدار ملی. پس هر ایرانی با روحیه ایرانی خود باید از کالای ایرانی در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی استفاده کند و از خرید کالای خارجی بپرهیزد.

۸- نگاه ویژه به شرکت‌های دانش‌بنیان؛ صنایع دانش‌بنیان صناعی هستند که در آنها سطح بالایی از سرمایه‌گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص می‌یابد و فناوری‌های کسب شده با شدت بالایی مصرف می‌شوند و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار است. به نوعی می‌توان گفت، در اقتصاد دانش‌بنیان تولید و توزیع و کاربرد دانش عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی و

تولید ثروت و اشتغال در همه صنایع است. از سویی یکی از نقاط ضعف اقتصاد ما استفاده بهینه نکردن از ظرفیت‌های موجود در سرمایه انسانی کشور است. این موضوع نشان می‌دهد، سرمایه انسانی کشور ما شایستگی تولید دانش را دارد، اما برای به‌کارگیری دانش، با هدف تولید ارزش اقتصادی به اندازه کافی کار نشده و این خلاقیت و نوآوری به خدمت بنگاه‌های اقتصادی درنیامده است. نکته ظریفی که در فرمان ۲۴ ماده‌ای اقتصاد مقاومتی در بند ۲ آمده است، تأکید بر «پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه» است. در واقع، با تکیه بر این بند می‌توان با بهره‌گیری از دانش که حد و مرزی برای آن وجود ندارد و استفاده دقیق از ظرفیت‌های علمی کشور که طی سال‌های اخیر بسیار شکوفا شده است، وضعیت اقتصادی جامعه را بهبود بخشید. برای هم‌افزایی و عملیاتی کردن این موضوع باید اقداماتی صورت گیرد؛ از جمله:

- اعطای جایزه صادراتی به شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- فروش محصولات دانش‌بنیان؛
- برداشتن موانع از سر راه شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- اعطای تسهیلات صندوق توسعه ملی به این شرکت‌ها؛
- حمایت ویژه از نخبگان، مبتکران و مخترعان.

۹- **پر ریسک کردن بازارهای موازی تولید؛** رونق تولید نیازمند این است که تولید نسبت به سایر بازارهای رقیب که عمدتاً بر سفته‌بازی متمرکز هستند، اعم از مسکن، ارز، سکه، خودرو و... به‌صرفه‌تر باشد. نمی‌توان بازدهی بیشتر دیگر بازارها نسبت به بخش تولید را نادیده گرفت و در عین حال انتظار داشت تولید در کشور رونق یابد. زمانی که سرمایه‌گذاری در حوزه سفته‌بازی با ریسک و زحمت کمتر و در عین حال بازدهی بیشتری همراه است، بدیهی است سرمایه‌ها را به سمت خود جذب می‌کند.

ثمرات و برکات تحقق مطالبات اقتصادی مقام معظم رهبری

- کارآمدی نظام دینی

- افزایش مشروعیت و مقبولیت
- رضایتمندی و همراهی مردم
- شکل‌گیری اقتدار اقتصادی
- تاب‌آوری و مقاومت‌سازی اقتصاد در برابر تکانه‌ها
- عمق بخشی به امنیت پایدار
- تولید ثروت ملی و گسترش رفاه عمومی
- مصون‌سازی اقتصاد از آسیب تحریم‌ها
- عادلانه شدن توزیع منابع عمومی
- کاهش ضریب جینی

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب مهم‌ترین راهبرد برای برون‌رفت از تنگنای اقتصادی و معیشتی را با تشریح وضعیت کشور و بایسته‌های پیش روی مردم را پیگیری مطالبات اقتصادی و حل مشکلات معیشتی مردم تحلیل می‌کنند، برای تحقق این مطالبه مهم باید اقدامات و الزاماتی که ذکر شد فراهم شود. مضافاً تحقق این امر تولید نیازمند ثبات اقتصادی، تسهیل قوانین و سرمایه‌گذاری، خصوصی‌سازی، مدیریت کارآمد، بهبود فضای کسب‌وکار، امنیت اقتصادی و مدیریت دانایی، کاهش سود بانکی، نوسازی خطوط واحدهای تولیدی، اصلاح نظام مالیاتی، بیمه و معافیت گمرکی است. از سویی دیگر مشخص است که تولید در کشور ما در مراحل گوناگون از فرایند تولید تا تعمیر، نگهداری و فروش محصولات با مشکلات انکارناپذیری مواجه است. بسیاری از صنایع پایه همچون سیمان و فولاد، صنایع تبدیلی و صنایع تولیدی همانند خودروسازی در سال‌های اخیر به دلیل ملاحظات غیر اقتصادی و بی‌توجهی به اصول آمایش صنعتی طیف وسیعی از مزیت‌های عرضه و فروش را از دست داده است و علاوه بر آن، رکود در طرح‌های عمرانی در

کشور سبب شده تا مشکلات تولیدکنندگان به ویژه در صنایع پایه افزایش یابد. باتوجه به این اوضاع و این واقعیت که پراکندگی واحدهای کوچک و بزرگ در کشور قابل جابه‌جایی نیست، به آمایش کارشناسانه در راه‌اندازی طرح‌های گوناگون عمرانی نیاز وجود دارد و در وضعیت کنونی بودجه عمرانی دولت کفاف کلیدزدن طرح‌های نو را نمی‌دهد. افزون بر اینها، قوانین دست و پا گیر پیش روی سرمایه‌گذاری خصوصی، هراس از بی نتیجه ماندن سرمایه‌گذاری در بخش تولید، حمایت نکردن نظام بانکی، ضعف حقوق مالکیت، فراز و فرودهای ارزی و نیاز به فناوری‌های روز در وضعیت تحریم سبب شده است دشواری‌های این مأموریت بزرگ بیش از پیش به چشم آید. قاچاق افسارگسیخته، واردات کالاهای دارای مشابه داخلی از سوی کانون‌های قدرت و ثروت سال‌ها پاشنه آشیل اقتصاد ایران و آفت بخش تولید بوده که به یک جراحی نیاز دارد. در کنار اینها، ضعف نظارت و رقابتی نبودن فضای تولید هم مزید بر علت شده و فرایند تولید را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین وضعیتی اهمیت مبارزه با فساد و مصادیق آن نظیر پولشویی بیشتر نمایان شده و شفافیت اقتصادی به کیمیای دگرگونی اوضاع عنوان می‌شود. در چنین وضعیت غامضی اهتمام همه به رونق تولید نتایج مهمی، همچون عبور کشور از دام تحریم‌های ظالمانه آمریکا، کاهش نرخ بیکاری، مهار نقدینگی، افزایش ارزش پول ملی، کاهش خروج ارز از کشور و اعتباربخشی به سازه ایرانی و افزایش اعتماد مردم به اقتصاد ایران را به دنبال خواهد داشت. ان شاءالله